اسلام از دیدگاه اندیشمندان جهان

قرنهاست که کلیسا نبردی بی‏امان و تهاجمی را علیه اسلام آغاز نموده است.

لکن او در این مبارزه تنها نماند استعمار نیز بکمک وی شتافت.سنگرهائی را به‏ تصرف خود درآورد و موضع‏هائی را از دست داد.اسلام علیرغم این کوششها تا قلب‏ آفریقا پیش رفت و مرزهای آمریکای لاتین را تسخیر نمود.آنجا که واتیکان به‏ تبلیغ مسیحیت میپردازد اسلام بدون مبلغ فتح میکند و این برای مسیحیت اعجاب‏آور است‏ و وحشت‏انگیز.چنانچه پاپ در سخنرانی افتتاحیه شورای اسقفها در واتیکان‏ رسما اعلام داشت که‏1یک خطر بزرگ از جانب اسلام عالم مسیحیت را تهدید میکند و تأکید نمود که آن از خطر کمونیسم موحش‏تر است.اما در مقابل آن تبلیغات و این‏ سخنرانیها؛متفکرین آزاده‏ای در جهان هستند که بدون اجازه واتیکان میاندیشند و اظهار نظر میکنند آنان به عظمت و شکوهمندی اسلام اعتراف دارند و ما اینک بنقل‏ سخنانی از این آزادگان میپردازیم.

ژان ژاک روسو در اثر معروف خود موسوم به میثاق اجتماعی مینویسد.«قوانین‏ یهود و داستان فرزند اسماعیل که از قرنها پیش بر دنیا حکومت میکرد هنوز هم عظمت‏ مردان بزرگی که آنرا بوجود آورده‏اند باقی است اما فلاسفه بزرگ آنها را حقه‏بازانی بیش نمیدانند ولی یک مرد سیاسی حقیقی در تأسیسات آنها نبوغ بزرگی را تشخیص‏ میدهد که باعث ایجاد تأسیسات بادوام است».

(فرانتز فانون)بیک جامعه‏شناس بزرگ اسلامی می‏نویسد:

«....اسلام بیس از همهء آسیا و آفریقا،با غرب و استعمار مبارزه کرده و از این دو زخمهای کاری بر جان و تن خورده است و یک تنه،بیش از زردها و سیاهها و هموطنان‏ پیشین من،در امریکای لاتین،از این دو دشمن دیرینه‏اش-که او را فجیع‏تر از همه کوبیده است کینه دارد و من-اگر چه نسبت بوی احساساتی مانند تو ندارم- ولی بر این سخن تو،شاید بیش از خود تو تکیه کنم که:«در دنیای سوم(دوست‏ دارم بجای آن با اجازه تو بگویم،در شرق میانه و نزدیک)اسلام بیشتر از همهء قدرتها و امکانات اجتماعی و عبادی،ظرفیت ضد استعماری دارد و سرشت‏ ضد غربی‏1»

برنارد Bernard.Shaw نویسنده و متفکر انگلیسی میگوید:

«من همیشه نسبت بدین محمد(ص)بواسطه خاصیت زنده بودن عجیبش نهایت احترام‏ را داشته‏ام.بنظر من اسلام،تنها مذهبی استکه استعداد توافق و تسلط بر حالات‏ گوناگون و صور متغیر زندگی و مواجهه با قرون مختلف را دارد،چنین پیش‏بینی‏ میکنم و از هم اکنون آثار آن پدیدار شده است که ایمان محمد(ص)مورد قبول اروپای‏ فردا خواهد بود.روحانیون مسیحی قرون وسطی در نتیجه جهالت یا تعصب،شمائل‏ تاریکی از آئین محمد(ص)رسم میکردند.

او بچشم آنها از روی کینه و عصبیت ضد مسیح جلوه کرده بود.من درباره این‏ مرد-این مرد فوق‏العاده-مطالعه کردم و باین نتیجه رسیدم که نه تنها ضد مسیح‏ نبوده بلکه باید ناجی بشریت نامیده شود.بعقیده من اگر مردی چون او صاحب‏ اختیار دنیای جدید شود طوری در حل مسائل و مشکلات دنیا توفیق خواهد یافت که‏ صلح و سعادت آرزوی بشر تأمین خواهد شد.»

(1)-اسلام‏شناسی دکتر علی شریعتی